

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرْجَهُمْ



هویت اجتماعی

(کتاب درسی علوم اجتماعی)

رشته‌های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی – فنی و حرفه‌ای – کارآفرینش

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

هویت اجتماعی (کتاب درسی علوم اجتماعی) - پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۲۲۰
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
اصغر اسلامی تها، علی انتظاری، حمید پارسانی، حسین سوزنچی، محمدتقی عینی‌زاده، طلیف
عیوضی، سید محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم‌الهی، عبدالحسین کلانتری، محسن لب خندق،
محمد مهدی ناصری، شهلا باقری، الدوز تبریزی، رله فتحی و فهمیه میرصانع (اعضای شورای
برنامه‌ریزی) - شهرام آزادمنش، آریتا بیدقی، فروغ التجمی تموریان، محمدرشیف متولی الموتی
و علی نوری (همکاران شورای برنامه‌ریزی)

نصرالله آقاجانی، اصغر اسلامی تها، حمید پارسانی، الدوز تبریزی، حسین سوزنچی، مهدی
طغیانی، طلیف عوضی، سید محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم‌الهی، محسن لب خندق، فهمیه
میرصانع (اعضای گروه تألیف) - افسانه حجتی طباطبایی (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زند (طرح گرافیک)
مریم کبوان (طرح جلد) - مریم و نویی اثیردان (صفحه‌آرا) - سوروش سعادمندی، حسین
چرافی، فرشته ارجمند، فاطمه پژشکی و فاطمه رئیسیان فیروز آباد (امور آماده‌سازی)

تهران: خیلابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۰۸۸۳۱۶۱۹، ۰۹۲۶۶، ۰۸۸۳۰۹۲۶۶، دورنگار، ۰۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

ویگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلو متر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱

(داربیخش) تلفن: ۰۵۱۶۱۵، ۰۴۹۸۵۱۶۰، دورنگار: ۰۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۸۱۵۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ ششم ۱۴۰۲

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

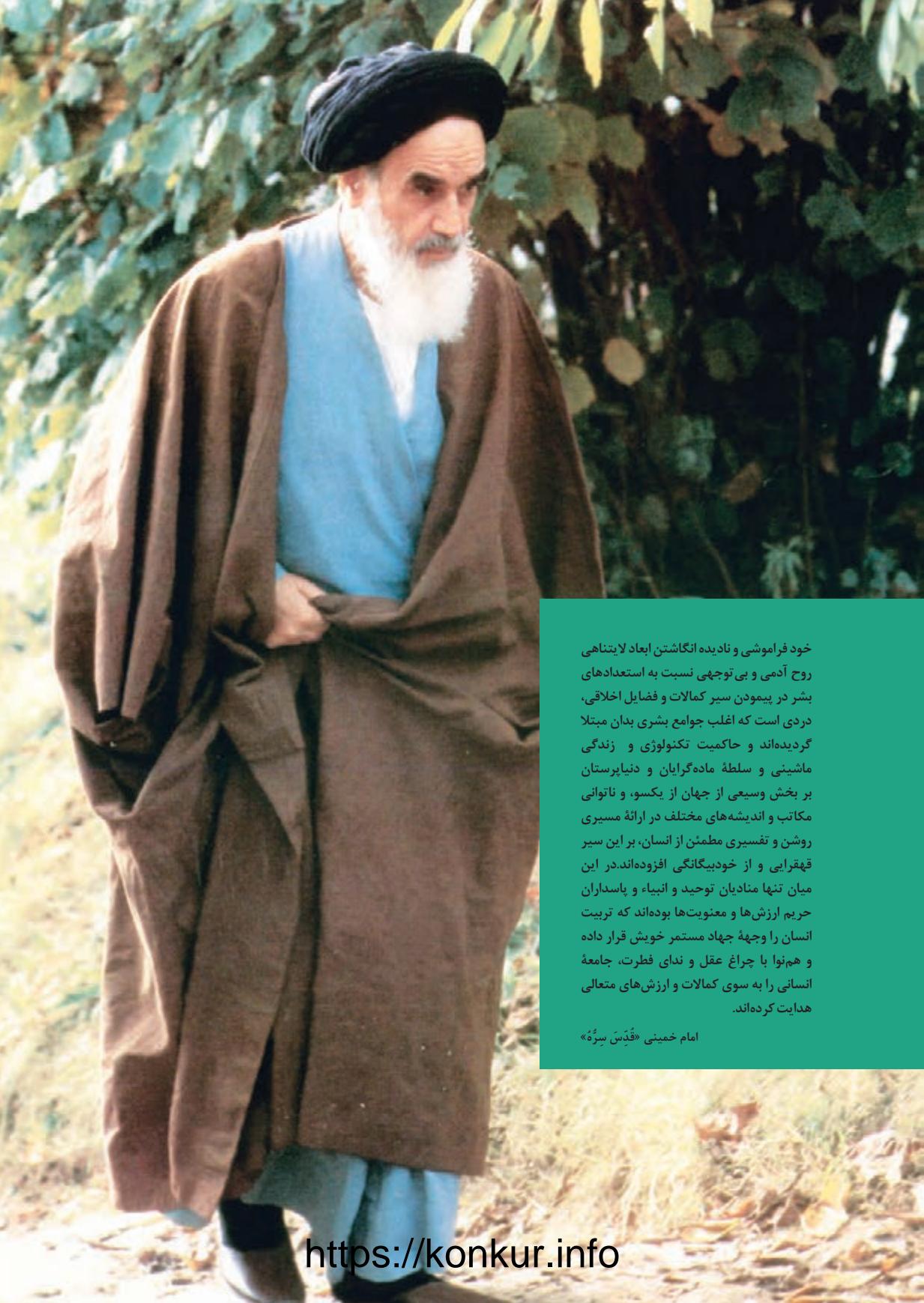
ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۰۵_۳۱۱۵_۹۷۸_۹۶۴

ISBN: 978_964_05_3115_0



خود فراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد لایتناهی روح آدمی و بی توجهی نسبت به استعدادهای بشر در پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده‌اند و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و سلطه ماده‌گرایان و دنیاپرستان بر بخش وسیعی از جهان از یکسو، و ناتوانی مکاتب و اندیشه‌های مختلف در ارائه مسیری روش و تفسیری مطمئن از انسان، براین سیر قهقهایی و از خودبیگانگی افزوده‌اند. در این میان تنها منادیان توحید و انبیاء و پاسداران حریم ارزش‌ها و معنویت‌ها بوده‌اند که تربیت انسان را وجهه جهاد مستمر خویش قرار داده و همنوا با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعه انسانی را به سوی کمالات و ارزش‌های متعالی هدایت کرده‌اند.

امام خمینی «قدس سرّه»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی وارانه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

۱	اهداف کتاب
۲	■ درس اول: کنیه‌های ما
۸	■ درس دوم: پدیده‌های اجتماعی
۱۸	■ درس سوم: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)
۲۶	■ درس چهارم: ارزیابی فرهنگ‌ها
۳۵	■ درس پنجم: هویت
۴۵	■ درس ششم: بازتولید هویت اجتماعی
۵۴	■ درس هفتم: تحولات هویتی جامعه
۶۳	■ درس هشتم: بعد فرهنگی هویت ایران
۷۳	■ درس نهم: بعد سیاسی هویت ایران
۸۴	■ درس دهم: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران
۹۲	■ منابع

سخنی با دانش آموز

دانش آموزان عزیز
سلام

مخاطب کتاب علوم اجتماعی پایه دوازدهم، شما عزیزانی هستید که رشته تحصیلی تان علوم انسانی نیست. این کتاب زمینه آشنایی شما با علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می کند. علوم انسانی و اجتماعی، خود انسان و زندگی فردی و اجتماعی او را مطالعه می کنند و مسیر شناختن و ساختن خویشتن، دیگران و جوامع انسانی اند. تحقیق و پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، یادداهن و یادگرفتن آنها و استفاده از این علوم در زندگی فردی و اجتماعی، شریک شدن در ساختن هویت خویشتن و جامعه است. این مهم سبب شد تا موضوع و مسئله اصلی کتاب شما، روایت هویت افراد و جوامع باشد.

کتاب حاضر در ده درس تنظیم شده و بستر مناسی برای آشنایی شما با مباحث فرهنگ و هویت است. در این دروس می خوانید که انسان ها براساس آگاهی، اراده و برای رسیدن به اهداف، عمل می کنند. آنها در ارتباط با هم فرهنگ های گوناگونی را پدید می آورند که براساس آرمان ها و ارزش های آن فرهنگ ها و همچنین ملاک ها و معیار های فطری و حقیقی قابل نقد و ارزیابی هستند. سپس با ابعاد مختلف هویت فرد و جامعه آشنا می شوید. در انتهای ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی را مطالعه و بررسی می کنید.

برای استفاده مطلوب از کتاب حاضر سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی ها، بخش های مختلفی در کتاب گنجانده شده است:

■ هر درس، مقدمه ای دارد. این مقدمه ها نشان می دهند که این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش هایی است. پرسش های مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته ها و تجربه های خود به آنها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ های اولیه خود را با پاسخ های کتاب مقایسه کنید.

■ در هر درس فعالیت‌هایی با عنایین مختلف مانند «گفت و گو کنید»، «نمونه بیاورید»، «مطالعه کنید»... وجود دارد. این فعالیت‌ها را ضمن مطالعه درس و با هدایت و راهنمایی دبیران محترم علوم اجتماعی انجام دهید تا بتوانید آموخته‌های خود را تحقیم و تثبیت کنید یا به آنها عمق و وسعت ببخشید و برداشت عمیق‌تر و وسیع‌تری از موضوع و مسئله مورد بررسی به دست آورید.

■ «بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعته به کتاب‌های کمک درسی غیر مفید، از کتاب‌های غیر درسی مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های دانشمندان و اندیشمندان شریک شوید. «ببینیم و بدانیم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم‌های خوب هم می‌تواند منبعی مفید و مفرح برای کسب دانش باشد.

■ تصویرها، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس هستند و به شما در یادگیری مطالب و رسیدن به اهداف درس پاری می‌رسانند. از تأمل و دقت در آنها غفلت نکنید.

■ صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا ببخشید.

امید است که با استفاده از این کتاب، به اهمیت مباحث مریبوط به هویت و فرهنگ پی‌برید. نسبت به سرنوشت هویتی جامعه خود احساس مسئولیت کنید و برای هویت‌یابی مطلوب خود و جامعه تلاش نمایید.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

<https://konkur.info>

● اهداف کتاب

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی—یادگیری این کتاب، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. به معناداری کنش آدمی پی ببرد، پیامدهای احتمالی کنش‌ها را پیش‌بینی کند و از اثرگذاری اعضای جامعه بر پدیده‌های اجتماعی و همچنین اثرپذیری آنها از این پدیده‌ها آگاهی یابد.
۲. مفاهیم جامعه و فرهنگ را بشناسد، به تفاوت و تنوع جوامع و فرهنگ‌ها پی‌ببرد و فرهنگ‌ها را بر اساس ملاک‌های صحیح، نقد و ارزیابی کند و نسبت به گسترش فرهنگ حق و تحقق آرمان‌های آن احساس مسئولیت نماید.
۳. به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود آگاه شود و برای هویت‌یابی مطلوب تلاش نماید.
۴. نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت فرهنگی جامعه دریابد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع مختلف را برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید نقد و ارزیابی کند.
۵. علل درونی و بیرونی تحولات فرهنگی را بشناسد، این تحولات را ارزیابی کند و خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی مسئول بداند.
۶. هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تداوم و تقویت آن تلاش نماید.
۷. به اهمیت ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایران پی‌ببرد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد کند.



درس اول



کنش‌های ما

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند:

هر ذره که هست، اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است

ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها در آسمان حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، قلب می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، مسوک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، نقاشی می‌کشیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز اسمی مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «کُنش» و به انجام‌دهنده آن «کنشگر» می‌گویند.

کنش و بیزگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

● وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنمای گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟

کنش، آگاهانه است؛ یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدھیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این‌رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

بخوانیم و بدانیم

نا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند و از آن باخبرند؟ در حکایت زیر تأمل کنید:

روزی شخص بزرگی که از آشنایان سقراط بود با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط! می‌دانی دربارهٔ یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟

سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای درنگ کن! آیا کاملاً مطمئنی آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

نه فقط شنیده‌ام.

سقراط گفت: پس واقعاً نمی‌دانی خبر درست است یا نادرست! آیا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟

نه برعکس!

پس می‌خواهی خبر بدھی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالا بگو ببینم آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سودمند است؟ فرد پاسخ داد: نه واقعاً...

سقراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه سودمند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

● حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دوراهی قرار گرفته باشید؛ مثل اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دوراهی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟ کنش، ارادی است. کنش به اراده انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه بر آگاهی، اراده انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

کنش‌ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند اما در هر حال، ارادی‌اند. حتی فردی که از خطر می‌گریزد، با اراده خود این کنش را انجام می‌دهد؛ او می‌توانست بماند، با خطر روبه‌رو شود یا... .

آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

- فردی از میان جمع برمی‌خیزد و پنجه‌های اتفاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسید چرا این کار را کردی، چه می‌گوید؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت‌های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟ با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت‌سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دستش را بالا می‌آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انجام می‌دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بباید.



انسان‌ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت و گو کنید

- بوق زدن راننده، یک کنش است. درباره معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید.
- یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان را بباید و درباره معنای آن گفت و گو کنید.

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش آموزی در می زند و اجازه ورود می خواهد. کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می کند؟ درباره آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می توانید این پیامدها را دسته بندی کنید؟ به نظر شما، شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی اند؟ برخی از پیامدهای کنش به اراده انسان ها، یعنی خود کنشگر یا افراد دیگر، وابسته اند. به همین سبب به آنها «**پیامدهای ارادی**» می گویند. این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنش مطالعه کردن است که اولی به اراده خود او و دومی به اراده دیگری وابسته است.

فردی سلام می کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامد ارادی کنش او محسوب می شود که به اراده جواب دهنده سلام وابسته است.

اما همه پیامدهای کنش این گونه نیستند؛ یعنی به اراده انسان ها بستگی ندارند. به این پیامدها «**پیامدهای غیر ارادی**» می گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجه طبیعی کنش اند.

وقتی شما پنجره ها را باز می کنید، هوای کلاس عوض می شود. فردی که وضو می گیرد، دست و صورتش پاکیزه می شود.^۱



پیامدهای کنش



پیامدهای غیرارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند ولی پیامدهای ارادی کنش احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می‌شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی‌گیرند.

معمولًاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطبوعشان، خودداری می‌کنند. چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.

بخوانیم و بدانیم

فردی با اصرار از رسول اکرم ﷺ پندی خواست.

پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگوییم به کار می‌بندی؟»

آن فرد پاسخ داد: «بله یا رسول الله!»

پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید، جلب کرد. سپس به او فرمود:

«هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اوّل در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبت‌اش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبت‌اش گمراهی و تباہی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.»

آب این جوی به سرچشم نمی‌گردد باز بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز

هم‌اندیشی کنید

- آیه «آدمی در گرو عمل خوبش است» (مدثر: ۳۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده کنشگر	وابسته به اراده دیگران	
تندرنستی	مورد تحسین و تشویق دیگران قرار گرفتن	ورزش حرفة‌ای و ورزشکار حرفه‌ای شدن	ورزش کردن
آسیب و بیماری	مورد نکوهش و بازخواست دیگران قرار گرفتن	ترک آن یا معتاد شدن به آن	سیگار و قلیان کشیدن
			رعايت حیا
			کنترل خشم

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

کنش،

خلاصه کنید

یعنی در این قسمت، مفاهیم اساسی را تعریف کنید یا ارتباط آنها را نشان دهید.

-کنش، معنادار است.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید، با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. نوشته‌هایتان را در کلاس بخوانید؛ با راهنمایی دیگران، بهترین آنها را انتخاب کنید و با ذکر نام نویسنده، در کتاب خود بنویسید.



درس دوم پدیده‌های اجتماعی



کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس از جابری خیزیم، هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدیر را رعایت می‌کنیم و به هم‌بیگر تعارف می‌کنیم. هنگام گفت و گو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم. با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنیم. به دیدار بستگان می‌رویم و جویای احوالشان می‌شویم. به نظر شما ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

موقعیتی را در نظر بگیرید که به تنها یا مشغول خوردن غذا هستیم؛ دوستی وارد می‌شود. چه تعییری در کنش ما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن ما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ ما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیریم. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی ما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منظور از کنش اجتماعی چیست؟



■ کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است.

کنش‌ها انواعی دارند. برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی‌اند. کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راندهای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران

و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می‌گیرند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟



■ برخی کنش‌ها در حضور دیگران انجام نمی‌شوند اما اجتماعی‌اند. در مقابل، برخی کنش‌ها با اینکه در حضور دیگران انجام می‌شوند، فردی هستند.

بخوانیم و بدانیم

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

روزی ابوعلی سینا در خانه‌اش نشسته بود و یکی از کتاب‌های افلاطون، دانشمند یونان باستان را با لذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هرچه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و کنجکاوی او برای خواندن مابقی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!

برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» دقت کنید. دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غريبه/آشنا

دوست/دشمن

گذشتگان/معاصران/آيندگان

مؤمن/کافر/منافق

با این مثال‌ها، متوجه می‌شویم؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

می‌دانید که کنش‌های ما تنها در ارتباط با دیگران انجام نمی‌شوند. کنش‌های ما در ارتباط با خودمان، خلق‌ت (طبیعت و ماءره طبیعت) و خداوند متعال نیز صورت می‌گیرند. اگرچه انواع کنش‌ها زیکدیگر اثر می‌پذیرند

و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و مناسب می‌شوند ولی هویت هیچ‌کدام از دست نمی‌رود.

(برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحياة اثر آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید).



■ افطار کنار مزار شهداء، کنش ناظر به دیگران

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ به نظر شما، این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خُردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند.

مثلاً فردی به تنها ی و با صدای دلخواه در اتاق مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری (تحقیق یک ارزش) باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛ مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران شیوه‌های معینی دارد.

ارزش‌های اجتماعی آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش‌اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند.

هنجار (شیوه و روش)	ارزش (هدف)
..... وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم،	نظم
..... به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم،	ادب
..... حجاب داشته باشیم (حفظ حریم)،	عفت
..... پوشش شرعی،	حجاب (حفظ حریم)
.....	فرزنده‌آوری
.....	ثروت

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی»^۱ را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ)^۲ به همین طریق شکل می‌گیرند.

۱- با این پدیده‌ها در درس ۶ بیشتر آشنا می‌شویم.

۲- پدیده‌های اجتماعی را می‌توان براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب می‌توان طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش اجتماعی و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان مانند جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرند.



■ عقاید، ارزش‌ها و هنگارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.

پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند.
پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند. ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

بخوانیم و بدانیم

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند. ولی در مواردی خود این پدیده‌ها اصل قرار می‌گیرند و به جای اینکه در خدمت سعادت بشر باشند، انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی گاهی خود، جای هدف می‌نشینند و با شرایط سخت، هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورده‌یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می‌گردد. شما در مورد سایر پدیده‌های اجتماعی مانند پول و تکنولوژی تأمل کنید.

مقایسه کنید

کوه پدیده‌ای طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آنها تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

ساختمان اداری	کوه	معیار
		نقش انسان در پیدایش آن
		معنادار بودن
		محسوس بودن

از «من» تا «ما»؟

به نظر شما از «من بودن» تا «ما شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گاهی ساده و سر راست به نظر می‌آید و گاهی دشوار و پیچیده! خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش‌های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش‌هایی که جدا از پاسخی که به آن می‌دهیم، فهم خود پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی عجله می‌کنند و از فهم عمیق پرسش باز می‌مانند. راستی شما در این مورد چگونه می‌اندیشید؟



آبی دریا به رنگ آسمان
قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست
قطره تنها چرا بی‌رنگ ماند؟
رنگ دریاهای آبی از کجاست?
قطره تنها به دور از قطره‌ها
با خود آهنگ جدایی می‌زند
قطره‌هایی را که با هم می‌روند
آسمان رنگ خدایی می‌زند
این «من و تو» حاصل تفوق ماست
پس تو هم با من بیا تا ما شویم
حاصل جمع تمام قطره‌ها
می‌شود دریا، بیا دریا شویم
(قیصر امین پور)

سراسر زندگی اجتماعی می‌تواند زمینهٔ پیوند انسان‌ها با یکدیگر و عبور از «من و تو» و تشکیل «ما» باشد. «من» هادرون «ما» حل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند بلکه «من» «ها با «ما» از دایرۀ تنگ و محدود خود فراتر می‌روند و بزرگ و بزرگوار می‌شوند. راستی «ما» ها نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ما»‌ها، در رشد، بالندگی و تعالی انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: همواره در راه نیکی و پرهیز کاری تعاؤن کنید و هرگز در راه گناه و تعدّی همکاری نکنید.^۱

آموختید که کنش‌های ما انسان‌ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «من» به «ما» است. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوهٔ زندگی خودشان و دیگران مؤثر است. مثلاً در خانواده‌های تک‌فرزنند، نوع ارتباط، محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده‌ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد همسن و سال و

۱- وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبَرِّ وَالتَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْغَدْوَانِ. (سورة مائدۀ، آیه ۲)

هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزنند. در غالب خانواده‌های تک‌فرزند، والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او به عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را متوقع و سخت‌گیر یا زودرنج و آسیب‌پذیر کند. در عوض در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می‌گیرند.



می‌دانید که گروه‌های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه‌های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فرد فرد اعضا و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می‌گیرند و دوام می‌آورند. با بروز نقصان و کاستی در تعداد افراد چنین گروه‌هایی، کمبایش زندگی و دوام آنها با تهدید روبرو می‌گردد و در مقابل، با افزایش تعداد جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر



فرهنگ‌ها، اقوام و آیین‌ها افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای میزان گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کمی و کیفی اهمیت فراوان دارد. در جامعه‌ای که اغلب خانواده‌های آن، چندفرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می‌شود. آیا همین پدیده نمی‌تواند زمینه پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند؟ آیا تولد هر نوزاد، نمی‌تواند نویدبخش تولد یک نابغه و پیدایش ایده یا طرح و برنامه‌ای نو برای طیف گسترده‌ای از انسان‌ها باشد؟

بخوانیم و بدانیم

میزان تغییرات جمعیتی هر کشور از طریق محاسبه «میزان رشد طبیعی جمعیت» در بازه‌های زمانی معین، ارزیابی می‌شود. میزان رشد طبیعی جمعیت از دو عامل «تعداد تولد» و «تعداد مرگ و میر» و اختلاف بین آنها به دست می‌آید؛ اگر تعداد تولد به نسبت مرگ و میر، رقم بالایی باشد رشد جمعیت مثبت است و اگر در زمان و مکان معین، مرگ و میر افراد در مقابل تولد

افزایش یابد، رشد جمعیت، منفی خواهد بود. در حال حاضر در برخی کشورها، به ویژه کشورهای صنعتی، رشد جمعیت منفی است. در این کشورها، به دلیل عدم گرایش و تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری، تعداد موالید در مقایسه با مرگ و میر، کمتر است.

در کنار این شاخص، شاخص دیگری با عنوان «نرخ جایگزینی» وجود دارد. نرخ جایگزینی به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به دنیا می‌آورد. جمعیت‌شناسان رقم جایگزینی را بین عدد ۲/۲ تا ۲/۱ تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، هر زن در طول عمر خود، باید حداقل دو فرزند به دنیا بیاورد تا روند طبیعی جمعیت دچار اختلال نشود.

عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن بُعد خانواده به خانواده‌بی فرزند یا تک‌فرزند توسط اکثر افراد جامعه، پدیده «سالمندی جمعیت» را در بیرونی خواهد داشت. شاخص سالمندی از افزایش نسبت سالمندان در جمعیت و به بیانی دیگر، کاهش نسبت افراد ۱۴-۰ ساله و افزایش نسبت افراد ۶۰-۰ سال و بالاتر خبر می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ایران ما به سوی سالمندی می‌رود. براساس نتایج یک پژوهش انجام شده در مرکز آمار، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق پیش‌بینی‌های منابع بین‌المللی، ساختار سنی جمعیت کشور ما در سال‌های بعد از ۱۴۳۰، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد بررسد. درواقع بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت به این گروه اختصاص می‌یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر محسوب می‌شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ برای آینده ماست!



پدیده مسن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را دربر دارد. این هزینه‌ها عمدتاً به هزینه‌های بهداشت و درمان مربوط می‌شود. در کشور برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی، نیروی جوان وجود نخواهد داشت. در سطح فردی نیز فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به تنها یابی تعهدات فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند. به نظر شما مسئله سالمندی جمعیت، برای کشور ما چه تبعات دیگری دارد؟

کشورها در مواجهه با روند کاهش جمعیت، برای جبران و ترمیم جمعیت خود، روش‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. با راهنمایی دبیر خود برخی از تجربه‌های کشورهای مختلف را در این رابطه مطالعه کنید و به کلاس گزارش دهید.

مقایسه رشد جمعیت در کشورهای مختلف

نام کشور	۲۰۱۲ نرخ رشد	۲۰۱۹ نرخ رشد	مقدار افزایش
کانادا	۰/۷۶	۱/۲	۰/۴۴
سوئیس	۰/۷۸	۱/۰۹	۰/۳۱
روسیه	-۰/۰۳	۰/۲	۰/۲۳
آمریکا	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۲
کره جنوبی	۰/۱۶	۰/۳۳	۰/۱۷
انگلیس	۰/۵۴	۰/۷	۰/۱۶
ژاپن	-۰/۱۳	-۰/۰۲	۰/۱۱
فرانسه	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۱۱
آلمان	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۰/۱۳
چین	۰/۴۴	۰/۵۱	۰/۰۷

ملحوظه می‌کنید که دو کشور ژاپن و آلمان از رشد منفی جمعیت برخوردارند. براساس آمارهای اعلام شده، در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۲۱ جمعیت ژاپن با کاهش ۶۴۴ هزار نفری رو به رو شده است و مهم‌ترین دلیل کاهش جمعیت در ژاپن، عدم تمایل زنان به فرزندآوری است. نرخ باروری در ژاپن از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد کاهشی بوده است. نرخ باروری در دهه ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۱/۳ درصد در ازای هر زن رسید. این رقم در ۲۰۰۵ میلادی به ۱/۲۶ درصد رسید. در دهه ۲۰۱۰ میلادی به بعد نرخ باروری در ژاپن با افزایش اندکی رو به رو شد و به رقم ۱/۴ درصد رسید. میانگین سنی جمعیت ژاپن به ۴۸/۴ سال رسیده و این کشور ثروتمند آسیایی اکنون پیرترین کشور جهان به شمار می‌رود. دولت ژاپن پیش‌بینی می‌کند که در افق ۲۰۶۰ تقریباً نیمی از جمعیت این کشور را افراد سالخورده تشکیل خواهند داد. از طرفی برآورد می‌شود که ظرف چهار دهه آینده جمعیت ژاپن که اکنون ۱۲۷ میلیون نفر است، بیش از ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و در حدود ۸۸ میلیون نفر خواهد شد.

خلاصه کنید

– به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن، پدیده اجتماعی می‌گویند.

مفهوم اساسی

پدیده اجتماعی،

آنچه از این درس آموختیم



درس سوم جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)^۱



از جامعه و فرهنگ چه تصوری دارید؟

شما با دو واژه جامعه و فرهنگ آشنا هستید؛ در گفت و گوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را باهم به کار می‌برید. به نظر شما بین این دو واژه چه تفاوتی وجود دارد و چه نسبتی باهم دارند؟

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید، به تدریج با شیوهٔ زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه به تدریج می‌آموزید، فرهنگ است.

۱- جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزله سخت‌افزار و فرهنگ را به منزله نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

«جامعه» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند.

«فرهنگ» شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند.

خوارکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.

فرهنگ لایه‌ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه‌ها سطحی‌تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنجارها. ارزش‌ها و عقاید لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ هستند. لایه‌های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند. لایه‌های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند و تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل، تغییرات اساسی در لایه‌های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند.



آداب و رسوم، بازی‌های محلی، صنایع دستی و خوارکی‌ها از مصادیق فرهنگ‌اند.

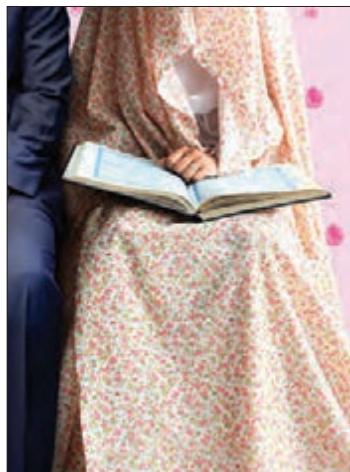
جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان و روح است.

جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است^۱ و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

در یک جامعه نیز شیوه زندگی مردم در همه مناطق یکسان نیست.

همه ما ایران را کشور خود می‌دانیم؛ از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را ارج می‌نهیم، ظلم و بی عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگ‌ترها را لازم می‌دانیم و انسان‌های فداکار را تحسین می‌کنیم اما همه ما در سراسر کشور با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خاصی است.

آن بخش از فرهنگ که همه مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «فرهنگ عمومی» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «خرده‌فرهنگ» نامیده می‌شود.



■ بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تمامی اعضای جامعه ما مشترک است ولی مردم مناطق مختلف آداب و رسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

خرده‌فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند. در مواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده‌فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این صورت، این خرده‌فرهنگ را «ضد فرهنگ» می‌نامند. خرده‌فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ

۱- فرهنگ از طریق وراثت (زن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

است. خرده‌فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده‌فرهنگ موافق می‌گویند. مثل خرده‌فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.



■ خرده فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوپاش و گدایان، خدادره‌فرهنگ است.

گفت و گو کنید

- وقتی وارد جامعه‌ای می‌شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها بی می‌برید؟ از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی چند مورد را نام ببرید.
- با دوستان خود درباره ویژگی‌های فرهنگ عمومی ایرانی-اسلامی و خرده‌فرهنگ‌های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت و گو کنید.

ببینیم و بدانیم

مجموعهٔ مستند «برای مهمانی» آیین‌های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می‌کند. با مشاهده هر قسمت از این مجموعه، با خرده‌فرهنگ‌های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می‌شوید.

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) چه الزاماتی دارد؟

آموختید که انسان‌ها با آگاهی و اراده خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن مشارکت می‌کنند، اما آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هر طور که بخواهیم جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگ) را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمد، الزام‌هایی دارد که بر کنش‌های تأثیر می‌گذارد؟

یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردمگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

ما انسان‌ها در جامعه و فرهنگی دیده می‌گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هریک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.



تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییر کند و در پی آن الزام‌ها و پیامدهایش برداشته شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد که الزام‌ها و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد. الزام‌ها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شوند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کنش‌های ما را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق زندگی ما را متاثر می‌سازند.

فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنامی کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد.

قوانين راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد ولی با وجود این محدودیت‌ها، عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد. به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدهش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صدایها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جوامع براساس عقاید و ارزش‌هایشان استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

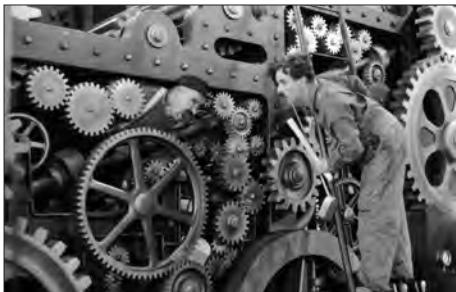
فرهنگ‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌شوند:

- به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدوده منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. فرهنگ دنیوی همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

● فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

فرهنگ معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ توحیدی است، اما فرهنگ اساطیری، به خداوندگاران و قدرت‌های فوق‌طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

فرهنگ جدید غرب^۱ فرهنگی دنیوی است. در این فرهنگ آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی‌دارند و دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند.



■ فیلم سینمایی «عصر جدید»، نامیدی مردم از وضعیت اقتصادی در دوره رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در روزمرگی‌های دنیای مدرن را به تصویر می‌کشد.

■ ایستگاه فضایی بین‌المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرصت‌های فرهنگ غرب است.

گفت و گو کنید

با راهنمایی دبیر خود، درباره دو فرهنگ متفاوت و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که برای بشریت به همراه داشته‌اند، گفت و گو کنید.

۱- فرهنگ دنیوی غرب را جهان متعدد یا جهان مدرن نیز می‌نامند و منظور از آن، غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر می‌باشد.

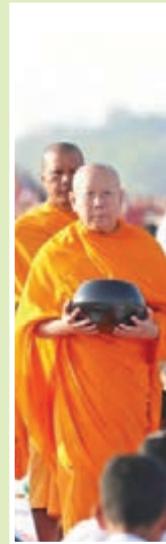
خلاصه کنید

- فرهنگ، روح و جان یک جامعه است.

مفاهیم اساسی

..... فرهنگ،

آنچه از این درس آموختیم



درس چهارم ارزیابی فرهنگ‌ها



منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و...

وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعه خود عمل می‌کنند؟

انسان‌ها اغلب خدمت به همنوعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت‌داری را خوب و پسندیده می‌دانند و خیانت، دروغ‌گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می‌شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند، عمل می‌کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش‌ها و هنجارهایی است که از آنها طرف‌داری می‌کنند؟ ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «فرهنگ آرمانی^۱» نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند، «فرهنگ واقعی» نام دارد.

مرز و محدوده فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند اما اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می‌شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.

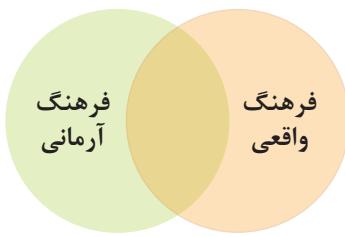


■ شهید بهروز مرادی (علم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و هم رزمنش جلوی مسجد جامع خرمشهر

■ محل شهادت شهید رسول حیدری اولین شهید ایرانی در بوسنی و هرزگوین سال ۷۲



برنامه ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقیق هر چه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.



۱- آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار فرهنگ است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراتعات نمی‌کنند.

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می دهند.

این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفتی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (صف: ۴ و ۳).

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
درون فرهنگ واقعی	بیرون از فرهنگ واقعی
احترام به پدر و مادر	ساده‌زیستی
استکبارستیزی	ناپسند بودن اسراف و تبذیر
.....

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان بر اساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها و ارزش‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، هنجارها و سنت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست‌اند.

بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، «فرهنگ حق» و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، «فرهنگ باطل» است.



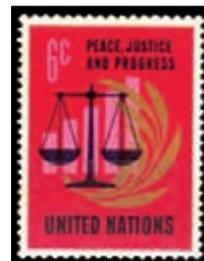
■ راهبیان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شبستانی از معبد که هرسال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.



■ تقسیم حیوانات در معابد هندوستان

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.

شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.
آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟



حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش‌های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه‌های مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت.

حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند و علومی که از این دو ابزار بهره می‌گیرند، می‌توانند درباره حق یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف داوری کنند.

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام را روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس می‌شناسد، اما مور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد؛ از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید؛ مثلاً مابدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت نسبت به دیگران بی‌می‌بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطای کرده است. وحی‌الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.

علوم اجتماعی همواره از حس، عقل و وحی برای شناخت حقایق و واقعیت اجتماعی و تاریخی بهره می‌برد. تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی معنا دارند و از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این رو این علوم وقتی از آغاز و انجام زندگی انسان با ارزش‌ها و آرمان‌های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادگی و... سخن می‌گویند. از روش‌های عقلاتی و وحیانی بهره می‌برند.

در اوائل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند. همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط درصورتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با جالش‌های متعددی مواجه شد و کم در محال علمی از رونق افتاد. یکی از جالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می‌دانیم نه آنچه علم ریاضی می‌گوید؛ مثلاً هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایارا 179° درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطأ می‌دانیم.

مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی

فواید علوم انسانی و اجتماعی	فواید علوم طبیعی
● شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن	● شناخت طبیعت و قوانین آن
● شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری	● پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت
● شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها	● رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت
● انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها	
● رهکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.	
● نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری	

غربی‌ها در مراسم تسبیح جنازه نزدیکانشان اشک نمی‌ریزنند؛ اندوه خود را پنهان می‌کنند و اگر گریه‌شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می‌کنند اما مراسم را باشکوه برگزار می‌کنند. مرده را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس‌های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند. برعکس، ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابدآ حزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند.

غربی‌ها خیلی سرد و بی احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟ گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه شناسان این کار را اشتباہ می‌دانند. به نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکرده دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی‌ها سرد و بی احساس‌اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی‌کنند یا آنها بگویند که ایرانی‌ها ضعیف و احساساتی‌اند چون بسیار برای مردگان خود می‌گریند، هیچ کدام قضاوت‌های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌ها و داوری علمی و عقلانی درباره آنها وجود ندارد. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم. برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، مابه عنوان یک فرد بیرونی می‌توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه‌ای باشد، ما می‌توانیم درباره نادرست بودن آن اظهار نظر نماییم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی عدالتی عادت کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متنظر شویم فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌های است.



■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه‌ها و مکان‌های عمومی با بیکره‌ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزیین می‌شود.



■ سیاه کردن عروس و داماد پیش از عروسی در روستاهای اسکاتلند اجرا می‌شود. در این رسم بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها توان عروس و داماد را کنیف کرد به طرفشان برتاب می‌کنند.

برخی حق یا باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟

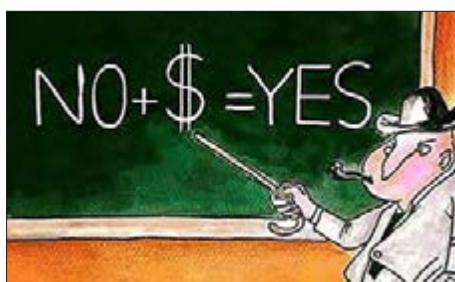
می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود. نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول‌پرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند و باطل بودن آنها با نوع مواجهه جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.



■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.



■ جوانان سیاه پوست به طور متوسط بیش از همسالان سفید پوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد پرس و جو قرار می‌گیرند.



■ دیوار حائل بتونی در کرانه باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

توحید، آزادی انسان‌ها از همه بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همه انسان‌ها، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش‌ها، آنها را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی‌دارند.

بنابراین، حقایق ثابت‌اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان‌گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی‌کنند.

نمونه بیاورید

- سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همه فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید. به نظر شما به چه دلیل این آرمان‌ها در اکثر فرهنگ‌ها حضور دارند؟

آرمان حق				
.....	راست‌گویی	وفای به عهد
.....	قبیله‌گرایی	تکاثر (مال‌اندوزی)

- آیا می‌توانید برخی پدیده‌های باطلی را که در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی فرهنگ‌ها وجود دارد، شناسایی کنید؟

.....	قبیله‌گرایی	تکاثر (مال‌اندوزی)
-------	-------	-------------	--------------------

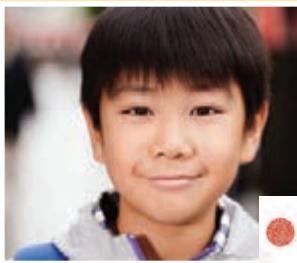
خلاصه کنید

-فرهنگ حق معیار ارزیابی همه فرهنگ‌هاست.

مفاهیم اساسی

فرهنگ حق

آنچه از این درس آموختیم



هویت

درس پنجم



در مورد هویت چه می‌دانید؟

نقل است که ملا ناصرالدین می‌خواست به شهر غریبی سفر کند. همسر ملا پیش از سفر، آویزی بر گردش آویخت که نامش بر آن نوشته شده بود تا مبادا هویتش را فراموش کند. ملا پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود، شوخي، آویز را از گردش درآورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملا پس از دیدن آویز در گردن آن شوخ فریاد زد: «چنین می‌نماید که تو من هستی. ولی اگر تو من هستی، پس من کیستم؟»

شاید این سردرگمی ملا مسخره به نظر آید ولی بر مهمترین مسئله بشری اشاره می‌کند که همان هویت است.

(فرهنگ و هویت، چارلز لیندولم)

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند یا از خودشان می‌پرسند به راستی «من کیستم؟». آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می‌کنند و ممکن است در معرفی خود به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۸۳، مؤمن، گندمگون، ورزشکار، وقت‌شناس، صبور، راستگو، ایرانی و....

آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد.

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم (انتسابی)؛ اما بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (اکتسابی). بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردن‌شان نقشی نداریم اما با تلاش می‌توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می‌شود و ما در طول زندگی، می‌توانیم آن را تغییر دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلًاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه‌آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلًاً ما فقط با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زرنگی یا تنبی و صبوری یا زورنگی ویژگی‌های فردی ما هستند.

بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).

و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلاگشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(کشف الاسرار و عدة الابرار، رشیدالدین میبدی)



■ هویت فردی



■ هویت اجتماعی

نمونه بیاورید

در جدول زیر چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

متغیر	ثابت	اجتماعی	فردي	انتسابي	اکتسابي	ویژگی های من
✓			✓		✓	راستگو
						...
						...
						...

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

— بعد جسمانی (بدن)

— بعد نفسانی (نفس و ویژگی های اخلاقی و روانی)

— بعد اجتماعی (نقش ها و عضویت فرد در جامعه).

آیا می توانید برای هر کدام از این ابعاد، نمونه بیاورید؟ آیا میان این سه بعد ارتباطی وجود دارد؟

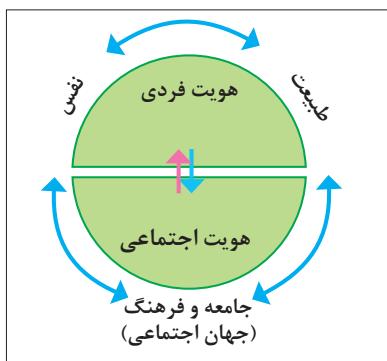
با توجه به متن، تصویری مناسب با این قسمت تهیه نمایید.



■ زهرا نعمتی، دارنده مدال طلا در مسابقات جهانی پارالمپیک و نخستین زن ورزشکار ایرانی که موفق شد در کبار ورزشکاران غیرمعلول، جواز رقابت در المپیک را بینز کسب کند.

سه بعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بدین ما مجرای ارتباط ما با طبیعت و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می‌آید. آیا می‌توانیم بگوییم هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

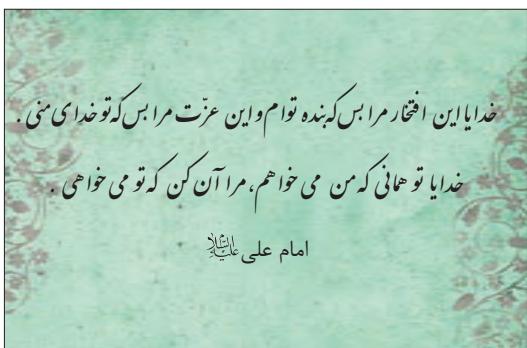
- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان‌ها می‌شود.
- برخی بیماری‌های جسمانی به کمک قوای روانی درمان می‌شوند.^۱
- یک انسان با تقوی، جهانی را تغییر می‌دهد. (امام خمینی عليه السلام)
- جوان مؤمن امیدوار پر تلاش پرانگیزه دانش دوست، موفق خواهد شد.
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی‌های صحرانشینان است.^۲
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می‌شود.



تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی ما چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

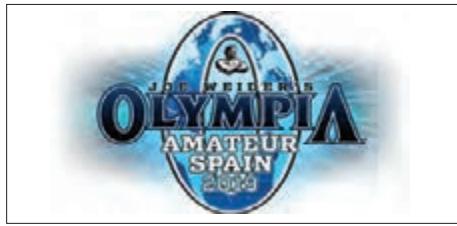
۱- در هر کاری که اراده آدمی برای انجام آن قوی باشد، بدین دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. (امام صادق عليه السلام)
۲- این خلدون در کتاب «مقدمه»، در بیان تفاوت میان شهرنشینان و بادیه‌نشینان، چنین صفاتی را برای صحرانشینان بر شمرده است.

هویت هر جامعه‌ای، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و قواعد، هنجرها و نمادهای آن مناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند. بنابراین، هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقواء، عدالت و علم ارزیابی می‌کند.



هر جامعه‌ای با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، فرهنگ متعدد با بعضی ویژگی‌های اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فدگرایی، دماغه شماری، فرصل طلبی، انصباط، تجمل گرایی، تبرّج، رفاه طلبی و مال‌اندوزی با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشند، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقواء، خوف و رجائی الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست.

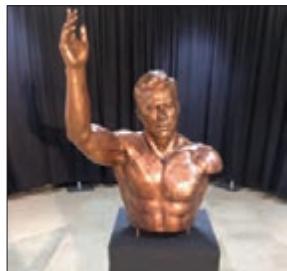
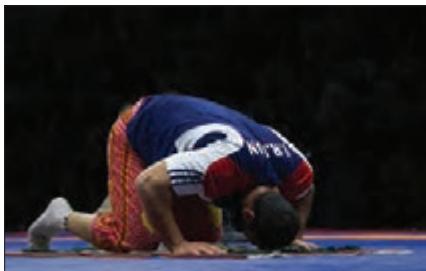
هر جامعه‌ای براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفه خداوند وظیفه عمران و آبادانی طبیعت را به عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف اراده حکیمانه الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.



■ برگزاری مسابقات بین المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه نمایشی است که با فیگور گرفتن روی استیج (صحنه نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکردی اساطیری شکل گرفت که زیبایی، تناسب و پرورش یافته‌گی و بدن عاملی برای ستایش و تمجید قلمداد می‌شد.

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران فرهنگ اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران فرهنگ متجدد (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.



■ پهن کردن سجاده بر روی تشك کشته و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی قهرمانی است.

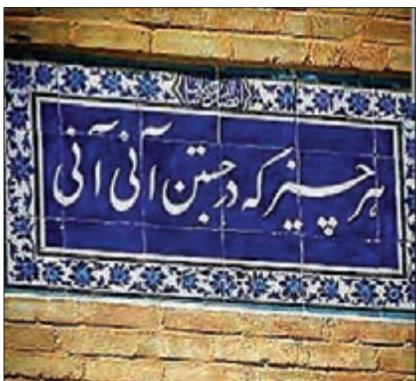
■ تندیس نیم تنۀ غلام رضا تختی در موئۀ «اساما» امریکا که در آن تختی با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزه جوانمردانه او باشد. وقتی تختی متوجه شد بای مدوید آسیبدیده، هرگز به سمت پای مصدوم حریف نرفت.



مجموعهٔ مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه باعنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

ببینیم و بدانیم

خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟



گفت چون سفراط در نزع اوقتادا
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز
(عطار)

به نظر شما افراد و گروه‌ها چقدر خود را می‌شناسند؟ شما چقدر خود را می‌شناسید؟ برای
شناخت بیشتر و بهتر خود چه راههایی وجود دارد؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن بی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند اما بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب، گاهی درباره ویژگی‌های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان درباره ضعف‌ها و قوت‌هاییمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای درباره هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته‌اند.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعْرَفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لَا ذِكْرَ غَيْرُ مَحْذُولٍ

«خدای آنکه با تو شناخته شود، ناشناخته خواهد بود و هر کس به تو نباشد آورده، خوار خواهد گشت»

(مناقب شیعیان)

۱- در حال جان‌کنند و مردن بود.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم. وجود نظرات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطأ و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

مباحثه کنید

- با توجه به مباحثت گفته شده درباره تعامل و تناسب ابعاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده‌های زیر را تشریح کنید.
- رواج شدید عمل‌های زیبایی در ایران؛ آیا تمامی عمل‌های زیبایی برخلاف ارزش‌ها و هنجره‌های دینی جامعه ایران است؟ آیا عمل‌ها، بسط ارزش‌ها و هنجره‌های فرهنگ غرب نیست؟
- رواج ارزش‌های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل‌گرایی، مال‌اندوزی و... در کشورهای اسلامی
- هزینه پنداشتن فرزندان و کاهش موالید در کشور
- آسیب‌ها و مسائل زیست‌محیطی تولید شده به وسیله مردم و سازمان‌های عمومی و دولتی در ایران
- خروج آمریکا از بیمان پاریس (کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای)
- حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان
- وقوع جنبش‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه در دفاع از محیط زیست و پدیدآمدن تکنولوژی‌های سبز و صدور کارخانه‌ها و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع
- حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی و برخی از دولت‌های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس

بخوانیم و پاسخ دهیم

در مقابل هویت اسلامی

شاه ایران، با اینکه پادشاه یک کشور اسلامی بود و خود را مسلمان معرفی می‌کرد، اما با کشورهایی همکاری می‌کرد که با مسلمانان دشمنی دیرینه داشتند و هویت اسلامی سرزمین فلسطین و بیت‌المقدس و مسجدالاقصی رانفی می‌کردند.

به طور مثال، رژیم صهیونیستی که سرزمین فلسطین را اشغال کرد و صدها هزار فلسطینی را از خانه‌شان اوواره ساخت و بسیاری از زنان و مردان و کودکان را کشت، رابطه‌ای صمیمی و مخفیانه با محمد رضا شاه داشت. کمک‌های محمدرضا به این رژیم چنان مؤثر بود که سرنگونی وی ضربه

سنگینی را بر رژیم صهیونیستی وارد کرد. گزارش خیلی محترمانه کارشناس آمریکایی که برای وزارت خارجه خودشان تهیه شده، بیانگر این حقیقت است:

طبقه‌بندی: خیلی محترمانه

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷)

سفارت آمریکا، تل آویو به: وزارت خارجه، واشینگتن

موضوع: اسرائیل و تحولات ایران

۱- خلاصه: اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. انتظار می‌رود که انفراض رژیم شاه تعصب گرایی اسلامی نواظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می‌گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می‌دهد و سپس ثبات منطقه‌ای را که در بی‌ریزی جریان صلح خاورمیانه در سال‌های آتی عامل مهمی می‌باشد، مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معددی از افراد تردید دارند که دولت بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران راقطع نماید.

۲- درست مثل همه ما، اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غربِ شاه، به صورت اصلاح‌ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشد. در برخی افراد این شبه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد به اکثر و اگر نه تمام جنبه‌های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل، پایان می‌بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانایی می‌دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.

۳- برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبیلیک برخوردار می‌باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پراهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته‌اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به دست آورده‌اند. از نظر سمبیلیک، اسرائیلی‌ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به عنوان نشانه‌ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطروح محسوب نمی‌شود، نگریسته‌اند. هر چند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار ننمود ولی دفاتر رابط به عنوان هیئت‌های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردن، متنها به صورت بی‌نام.

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، صفحات ۲۵ و ۲۶، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال

۱- چرا اسرائیلی‌ها از انقلاب اسلامی ایران مبهوت شده بودند؟

۲- اسرائیل از ارتباطش با ایران، در دوره شاه، چه استفاده‌هایی می‌کرد؟

۳- چرا در این سند، اسلام فعال و عدالت‌خواه و مخالف آمریکا و اسرائیل «تعصب گرایی اسلامی نوظهور» معرفی می‌شود؟

خلاصه کنید

- ابعاد متمایز هویت در تعامل با یکدیگر، متناسب می‌شوند.

مفاهیم اساسی

هویت،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



باز تولید هویت اجتماعی^۱

درس ششم



هویت اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی^۲ وظایف خود را النجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟

انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی بر عهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

به نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی‌می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

۱- به معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

۲- غریزه، کشنشی درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معینی و می‌دارد؛ به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلومات و مهارت‌هایی غیراکتسابی دارد که قابلیت دست‌کاری و تغییر چندانی ندارد. از این‌رو خلاقیت و تنوعی در شیوه زندگی آنها به وجود نمی‌آید.

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوه زندگی در جامعه را فرامی‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه‌های همسالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند.



■ خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنایی افراد با جامعه هستند.

فرایند جامعه‌پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به طور کامل جامعه‌پذیر نشوند. در آن صورت جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟ ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند و همواره افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سرباز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند.

به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، «کژروی اجتماعی» می‌گویند. آیا می‌توانید چند نمونه کژروی اجتماعی را بیان کنید؟

هر جامعه‌ای علاوه‌بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کژروی‌های اجتماعی و کنترل آنها، روش‌های «تبليغ و اقناع»، «تشويق و پاداش» و «تنبيه و مجازات» را به کار می‌گيرد؛ يعني می‌کوشد تا از طريق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذيرند، به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشنند، مجازات می‌کند.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذيرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گيرد، «کنترل اجتماعی» می‌گويند.



غبارروبی، عطرافشانی و گلباران مزار شهداء



روز بزرگداشت یاد سربازان و کشته شدگان جنگ در فرانسه



هر جامعه‌ای به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و بدین طريق دیگران را هم ترغیب می‌کند که این عقاید و ارزش‌ها را بپذيرند.



استفاده از دوربین‌های نظارتی در چین برای جلوگیری از تقلب. در این کشور، تقلب مجازات زندان به دنبال دارد.

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر در متن زندگی اجتماعی

در صدر اسلام، مسلمانان هنگام احوال پرسی و خدا حافظی، سوره عصر را تلاوت و این گونه یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می رساند.

به نام خداوند بخشندۀ مهریان

قسم به عصر. که آدمی به راستی در زیان است. مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهنند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

(عبدالرحمن سیوطی، الدّار المنشور فی التفسیر بالمؤثر)

گفت و گو کنید

همواره در برخی از مشاغل و اصناف، عده‌ای از افراد هستند که به طور کامل و موفق جامعه پذیر نمی شوند و برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل می کنند. کژروی های ممکن در برخی از مشاغل و اصناف را نام ببرید و در مورد راههای پیشگیری و کنترل آنها باهم گفت و گو کنید.

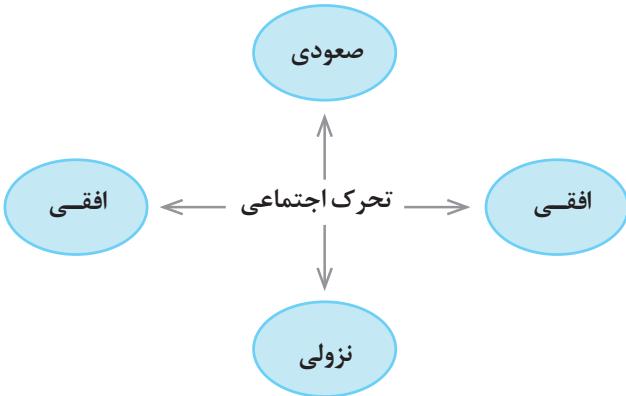
هویت اجتماعی چگونه تغییر می کند؟

آموختید که هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند. کسب هویت های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است؛ یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می دهد. به نظر شما، این تغییرات موقعیتی چه انواعی می تواند داشته باشد؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده و... می پذیرند و به تدریج با فعالیت هایشان هویت اکتسابی خود را به دست می آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند.

به جایه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر «تحرک اجتماعی» می گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.

اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی مثال‌های دیگری بزنید؟ در همه کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها کم‌اهمیت‌ترند. علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل؛ یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل؛ یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

بخوانیم و بدانیم

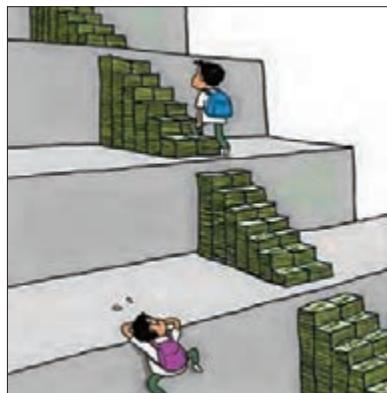
گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای

حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می کردند. از جمله آنها «فتوت نامه بنایان» بود که برخی از عبارات های آن به این شرح است:

اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، باسخاوت و خیّر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و... .

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



■ این کارگران کارخانه آجرپزی در ایالت بیهار هند در کاست نجس‌ها به دنیا آمدند. وظایف معین و مشخصی توسعه جامعه بردوش آنها گذاشته می‌شود بی‌آنکه از فرصت‌های تحرکی که نظام‌های طبقاتی به افراد می‌دهند، برخوردار باشند.

به نظر شما، آیا اعضای یک جامعه می‌توانند هر نوع هوتیت اجتماعی را کسب کنند؟ فرصت‌های پیش‌روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هوتیت‌های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود، برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هوتیتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند؛ برخی هوتیت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟



■ طرفداران تبعیض نژادی در قرن بیستم با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند.

قانون ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس فرانسه، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان باحجاب سلب می‌کند و مغایر شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برادری» است.

مثالاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.

جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت و اولویت می‌دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند، ممکن می‌سازد.

یک جامعه غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهر اجتماعی نمی‌دهد. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد.

در یک جامعه دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جامعه سرمایه‌داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل، امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.

در اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفة‌هارا تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت.

انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفة‌ها، آثار مخرب یا سازنده

این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمّت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

گفت و گو کنید

تغییرات هویتی تا چه زمانی مورد تأیید و تشویق جامعه قرار می‌گیرند و از چه زمانی با مخالفت جامعه و مجازات‌های اجتماعی رو به رو می‌شوند؟

خلاصه کنید

- فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست.

مفاهیم اساسی

..... تحرک اجتماعی

آنچه از این درس آموختیم



درس هفتم



تحولات هویتی جامعه

تحولات هویتی جامعه چگونه است؟

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می‌شود. هویت فرهنگی جامعه چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟ هویت فرهنگی جامعه چگونه متتحول می‌شود؟

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی، هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

آموختید که افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتند و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود. اما همیشه این گونه نیست. گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند. در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هاییش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد، در این صورت هویت آن متحول می‌شود.^۱

به نظر شما، تحول فرهنگی مثبت است یا منفی؟ آیا راهی برای ارزیابی تحولات فرهنگی وجود دارد؟

۱- این مراحل در جامعه‌شناسی به ترتیب تعارض فرهنگی، تزلزل فرهنگی، بحران هویت فرهنگی و تحول فرهنگی نامیده می‌شوند.



تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعهٔ جاهلی به جامعهٔ نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعهٔ نبوی به جامعهٔ اموی، تحول فرهنگی منفی است.

آیا می‌دانید چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل بروز آنها چیست؟

علل تحولات فرهنگی به دو دستهٔ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعهٔ مربوط می‌شود، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد. برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعهٔ توان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می‌دهد و گرفتار یأس و نالمیدی می‌شود. این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، متکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.



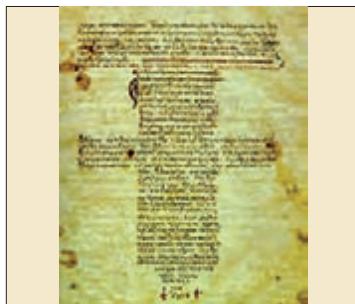
■ برخی فرهنگ‌ها، نیازهای جسمی انسان را نادیده می‌گیرند.

علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبه رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، اما آیا هر ارتباطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. گاهی روابط در محدودهٔ نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی و گاهی در سطح عقاید و ارزش‌های اجتماعی است. گاهی ارتباط میان جوامع، زمینهٔ گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاهی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. به نظر شما، چه شکلی از ارتباط میان جوامع، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدودهٔ هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. جوامع اسلامی

در سده‌های نخستین رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و به همین سبب، عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پژوهشی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.



■ الهه‌های یونانی، زئوس، آتنا و... در یک اثر نقاشی که داستان تولد آتنا، خدای نگهبان آتن را روایت می‌کند.

■ متن سوگندنامه بقراط، پژوهش یونانی که داشن آموختگان رشته پژوهشی، متعدد می‌شوند به آن وفادار باشند.

اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود.

اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می‌شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.



■ مدرسهٔ قراوین در شهر فاس کشور مراکش در شمال قارهٔ آفریقا؛ قدیمی‌ترین دانشگاه جهان که مدرک دانشگاهی اعطای می‌گردد است. گفته می‌شود که این عربی و این خلدون از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

■ نماز عید قربان در جزیرهٔ یوگیاکارتای اندونزی در جنوب شرق آسیا؛ مسلمانان جنوب شرق آسیا از طریق بازارگانان مسلمان با فرهنگ اسلامی آشنا شدند.

اما ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به دست آورد؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود، مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام پیوندد، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطاً به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.



■ جمهوری خواهان لایک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تصویب مجلس ملی فرانسه رساندند که براساس آن دین از آخرين عرصه‌های حضور اجتماعی خود حذف شد.

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شود. اما اگر اعضای آن، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدنهند، جامعه آنها دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد. چنین جامعه‌ای به روش تقليدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.



بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می‌نامند.

■ اقدامات آتاتورک در ترکیه: کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، بخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

علمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یاد را مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی علیه السلام: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود.»

همه این حالت‌های گم‌شدنی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جوامع نیز ممکن است. جوامع چگونه از خود بیگانه می‌شوند؟

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می‌رود، اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود؛ به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود؛ به دلیل آنکه هویت جوامع را فرهنگ آنها تعیین می‌کند. از خودبیگانگی فرهنگی چه انواعی دارد؟ از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

● اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار «از خودبیگانگی تاریخی» شده است. جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

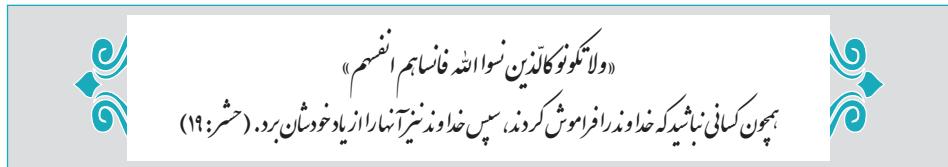
● اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار «از خودبیگانگی حقیقی(فطري)» شده است.^۱

فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت صحیح از عالم و آدم برسند. در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، نه خود حقیقت بلکه سرابی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه‌ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی‌رسد بلکه به اضطراب و

- در صورتی که اعضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعه خود را فراموش نکنند و به آن احساس تعلق داشته باشند، آن جامعه دارای «هویت تاریخی» است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی و فطري» است.

فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرایش‌هایی چون حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که او را از سایر موجودات تمایز می‌کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفریده است. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد، ولی به طور کامل سرکوب و نابود نمی‌گردد.

تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی‌دارد. از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می‌شود که انسان خود را نیز فراموش کند.



بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتمن اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان جان سالم بهدر نمی‌بردند. شاه مدتی خنده‌ید و چیزی نگفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)

■ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنای گاه شماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج‌گذاری کوروش تغییر یافت.

خودباختگی پهلوی دوم

قانون کاپیتولاسیون (به معنای مصونیت همه اتباع امریکایی حاضر در ایران از رسیدگی قضایی و واگذاری این حق به نماینده حقوقی امریکا بود، در حالی که ایرانیان ساکن آمریکا به هیچ وجه از چنین حقی برخوردار نبودند). که تصویب آن با پشتیبانی محکم شاه صورت گرفت. این قانون کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود. در زمان تصویب، سفیر آمریکا که خوشحال به نظر می‌رسید، به ملاقات شاه می‌رود. سند زیر گزارش خیلی محترمانه سفارت از این ملاقات است:

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ شهریور ۱۳۴۳)

طبقه‌بندی: خیلی محترمانه

یادداشت برای ضبط در پرونده

شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی^{*} گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلسین تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر اکهارت

ج. ۱. آرمیتاژ

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، سند شماره ۸، صفحه ۶۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

- ۱- چرا ارسنجانی گفت اگر این قانون تصویب شود، شاه حکومتش را از دست خواهد داد؟
- ۲- چرا شاه می‌خواهد به سفیر آمریکا نشان دهد با اینکه تصویب این قانون خطرهایی دارد، ولی او حاضر به انجام آن است؟

* حسن ارسنجانی از دولتمردان دوره پهلوی دوم که مسئولیت وزارت کشاورزی (۱۳۴۱ - ۱۳۳۹) و سفارت ایران در ایتالیا (۱۳۴۲ - ۱۳۴۳)، را عهده‌دار بود.

هم‌اندیشی کنید

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خود بیگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خود بیگانه باشد؟

خلاصه کنید

- برخی جوامع اسلامی به از خود بیگانگی تاریخی دچار هستند در مقابل جوامع غربی از خود بیگانگی فطری دارند.

مفاهیم اساسی

غرب زدگی،

آنچه از این درس آموختیم



درس هشتم

بعد فرهنگی هویت ایران



هویت ایرانی در گذر زمان چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خود را با ویژگی هایی مانند نام، سن، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت‌ها، علایق، هنرها، دانش، خلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و امت‌ها نیز خود را با ویژگی هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی هایی شناخته می‌شوند؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سر به سر زیر دست من است
ندانی چو ایران نشست من است
هنر نزد ایرانیان است و بس
ندادند شیر زیان را به کس
همه یکدلان اند یزدان شناس
دربیغ است ایران که ویران شود
به نیکی ندارند از بد هراس
کنام پلنگان و شیران شود
چو ایران نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
جهان بر بداندیش، تنگ آوریم
همه روی یکسر به جنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتمن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
جهان بزرگتر از مرگ در کارزار
اگر کشت خواهد تو را روزگار
فردوسی در این ایيات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟
(فردوسی)

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید.

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

فارسی دَری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام نیز مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت. فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

ما باید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیایی آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار بگیرد
و بتواند بخش عظیی از مدنیت گذشته عالم را که با خود به همراه دارد، به دنیا ارائه دهد.

ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یادگیرند. برای پنجاه سال آینده برنامه‌ریزی کنید و هدف را این قرار بدهید که کشور شما کی از مراجع عده و درجه اول علمی دنیا بشود؛ به طوری که اگر کسی خواست باتازه‌های دانش آشنا شود، مجبور باشد زبان ملی شما را یاد بگیرد.



جوامع اسلامی، از جمله ایران، در طول تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. جهان اسلام چگونه با این هجمه‌ها مقابله کرد؟ مسلمانان در سده‌های مختلف، یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند و یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند. اماً مواجههٔ فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربهٔ جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.



■ به دستور غازان خان شهادتین (لا الله الا الله، محمد رسول الله) بر دوسوی سکه‌ها ضرب شد.



■ غازان خان در حال قرائت قرآن، او هفتمنین ایلخان از سلسلهٔ ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

بخوانیم و بدانیم

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخارآمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود ملتی باهوش و متمن و صاحب فرهنگ را شیفتهٔ خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت خواه، بی‌تعصب و فرهنگ دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از پایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی ترین شکلش به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرك و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دورهٔ اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اعلیٰ درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرائت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فقاهت، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احساس، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سربازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده‌اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاص و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده‌اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

(خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتفی مطهری)

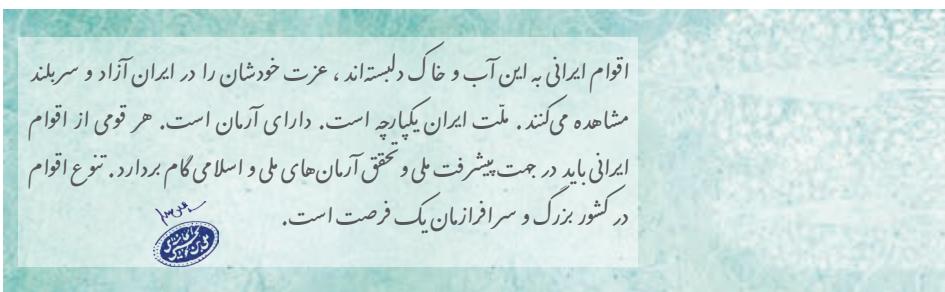
در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند. در دیدگاه مستشرقان^۱، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عنوانین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی^۲ به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.



■ تمبر منتشر شده در مصر با پرجم کشورهای عربی با نوشته «جامعة الدول العربية»



■ تابلو فرش ایرانی با موضوع وحدت مسلمانان که در آن اقوام و ملل مختلف مسلمانان را نشان می‌دهد؛ همگی به سمت خانه کعبه و آیه «واعتصموا بخليل الله حمیعاً و لاتفرقوا» دست بلند کرده‌اند و بالاتر از پرجم کشورهای مسلمان، آیه «هذا امتکم امة واحدة» نقش بسته است.



- ۱- مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر فرهنگ غرب و بالاهماف و مواضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند.
- ۲- ناسیونالیسم به مجموعه‌ای از باورها و نمادها گفته می‌شود که دلیستگی و تعلق خاطر به ملت و عناصر تشکیل‌دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری، آرمان اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود.

متفکران ایرانی از دههٔ سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته شده بود، کتاب‌های متعددی تدوین کردند که غرب‌زدگی (جلال آل‌احمد)، بازگشت به خویشتن (دکتر علی شریعتی)، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت (مرتضی مطهری) از جمله آنهاست.

گفت و گو کنید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. بدین‌وسیله عقاید، ارزش‌ها و فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصهٔ مهم‌ترین منازعه هویتی می‌شوند.

فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگناهایی برای ساماندهی درست این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلي و ملّي) منطقه‌ای و جهانی چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهاداتی دارید؟

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ هر انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن است. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند؛ مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته و تأثیرات هویتی آن بر جهان چه بوده است؟



■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با شعار زنان، صلح، زمین به سرنگونی روسیه تزاری و بربایی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی انجامید. شعار انقلاب فرانسه آزادی، برابری و براذری بود و به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری منجر شد. با انقلاب اسلامی ایران، نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت.

بخوانیم و بدانیم

برقراری روابط پایدار میان اعضای جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که گاه دفاع از آن را تای جان وظيفة خود می‌دانند. سرزمین، بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی - ایرانی جامعه ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی رض و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعه ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.



■ ای خدا!

من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبادا
که دشمنان از این راه مرا طعنه زنند. باید به
آن سنگدلایی که بهانه علم به مردم فخر
می‌فروشنند ثابت کنم که خاک پای من نخواهد
شد، باید همه آن تبره‌دان مغورو متکبر را به
زانو درآورم آنگاه خود خاضع ترین فرد روی زمین
باشم.

(شهید مصطفی چمران)

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثربار است، به قلب تپنده بیداری اسلامی^۱ تبدیل شد. اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را ببرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می‌کرد، جستجو و جو می‌کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی^۲ جدید در جهان ظاهر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه‌پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همه فرهنگ‌ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فراخوانده است.

-
- ۱- بیداری اسلامی، مقاومت‌هایی به منظور حفظ عزت و استقلال جهان اسلام در برابر نفوذ و سلطه فرهنگ غرب است که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد.
 - ۲- کانون یا مرکزی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به‌ویژه پرسش‌های معرفتی و معنوی به آن رومی‌آورند.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلۀ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقائیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدتر خشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها ... انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با صدام و آمریکا گلوله اول را



برگرفته از بیانیه
گام دوم انقلاب
رهبر انقلاب اسلامی

شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحة و شجاعت در برابر زورگویان و گردانکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحة و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

شهید قاسم سلیمانی از تربیت‌یافتگان انقلاب اسلامی بود که عمری را به جهاد مخلصانه در راه خدا و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان گذراند. او از چهره‌های محبوب ایرانیان و آزادی خواهان جهان بود که به دستور مستقیم رئیس جمهور آمریکا در کشور عراق به



شهادت رسید. وداع مردم عراق و ایران با ایشان که یکی از بزرگ‌ترین بدرقه‌های جهان بود و برگزاری صدها مراسم نکوداشت و راهپیمایی‌های اعتراضی و پرخروش در دهها کشور جهان برای خون خواهی و انتقام ایشان، جلوه‌ای باشکوه از امتداد فرهنگی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان بود.



■ با اینکه در هیچ سند بین‌المللی، سط्रی درباره تحریم‌های دارویی نوشته نشده است اما در عمل، تحریم‌های دارویی، بیماران خاص ایرانی را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

■ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کشورهای جهان را به دو دسته دارای سلاح هسته‌ای و فاقد این نوع سلاح تقسیم کرد و مطابق آن اعضای دائم شورای امنیت به طور رسمی صاحب سلاح هسته‌ای شدند.

تحلیل کنید



حجاب به عنوان نماد هویت جوامع اسلامی در صد سال اخیر فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان، حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای

اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت فرهنگی جوامع اسلامی تحلیل کنید.

خلاصه کنید

- ایرانیان با مشارکت در حیات فکری جهان اسلام، زبان فارسی را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

مفاهیم اساسی

هویت ایرانی اسلامی انقلابی،.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

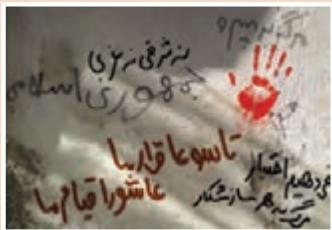
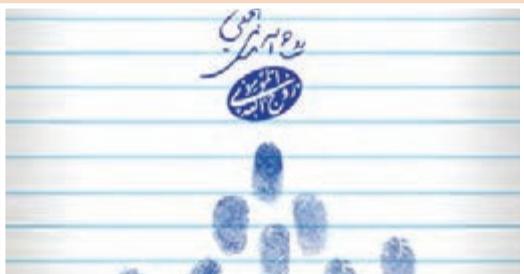
.....

.....

.....

.....

.....



بعد سیاسی هویت ایران

درس نهم



چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

آیا پدیده‌هایی چون شناسنامه، گذرنامه، پرچم، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، دادگاه‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، روزنامه‌ها، رسانه‌ها، صداوسیما، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه، مجلس خبرگان، رهبری، قانون اساسی، شیوه‌های حکمرانی و... نشانی از هویت جامعه دارند؟ وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟ هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین دلیل در معرفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند. چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

● قدرت و انواع آن

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

به نظر شما چه راههایی برای تأثیرگذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟



■ محمدصلاح، فوتbalیست مصری، آنقدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.



در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جرمیهای معادل ۲۰۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین، او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دویاره صاحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در اسناد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

■ علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت مقبول و قدرت مشروع: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است.

تبعیت با کراحت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می‌شود. به نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می‌کنند، تا چه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد؟



استالین، در تنها بیان جان داد. علی‌رغم تأخیر او برای خروج از اتفاق، هیچ‌کس جرمت نداشت در بزند و حالش را پرسد چون شب قبل گفتہ بود، کسی مزاحمش نشود. همه می‌ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش و فاداری آنها باشد.

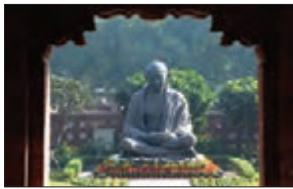


موقیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد پیمان ورسای و ترویج ایده ملی‌گرایی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.

دانستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و رضایت تبعیت‌کنندگان به دست می‌آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد.

بنابراین، مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انواعی دارد: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند باهم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا باشند. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می‌گیرد. آیا در جامعه‌ای که فرهنگ مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



■ گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس. مردم هند به او لقب «ماهاتما (روح بزرگ)» و «باپو (پدر ملت)» داده‌اند.



■ مارتن لوئیس کینگ، رهبر برلنفوڈ جنبش مدنی سیاهان آمریکا، در سخنرانی مشهور «رؤایی دارم» از آرزوی خود برای احترام حقوق سیاهان سخن گفت.



■ رئیس عالی دلواری، رهبر محبوب مردم تونگستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با استعمار نام‌گذاری شده است.

امام خمینی قیامت تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان انقلابی را انقلاب دوم نامیدند. سفارت آمریکا محل توطئه و جاسوسی علیه انقلاب نویای ایران اسلامی بود. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ابهت ظاهری و هیمنه خودساخته آمریکایی‌ها را در جهان فرو ریخت.



این حرکت به همه ستمدیدگان جهان جرئت داد تا برای رهایی خود از سلطه آمریکا دست به کار شوند. آمریکایی‌ها نیز متوجه شدند زین پس اعمال و رفتارشان بی‌پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت‌ها روبرو خواهند شد.

پس از تسخیر لانه جاسوسی، هزاران صفحه از اسناد جاسوسی و توطئه آمریکا علیه ملت ایران از داخل سفارتخانه کشف شد که این اسناد هم‌اکنون در قالب ده‌ها جلد کتاب منتشر شده و سندی بر دشمنی و خبات آمریکا علیه ملت مستقل ایران است.

بخوانیم و پاسخ دهیم

نمونه‌هایی از دشمنی آمریکا با ملت ایران از زبان خودشان

در اسناد لانه جاسوسی که اسناد محروم‌انه آمریکایی‌هاست، نامه‌هایی و گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها جز به منافع خودشان در ایران نمی‌اندیشیده‌اند و برای رسیدن به این منافع نه تنها از حکومت مستبد پهلوی حمایت می‌کردند، بلکه ابزار لازم برای سرکوب ملت

را به آنها می‌دادند و حتی توصیه به سرکوب بیشتر مردم هم می‌کردند. به سند زیر نگاه کنید:

از: اطلاعات و تحقیقات - دیوید. ا. مارک. اکتینگ

به: وزیر - وزارت امور خارجه، یادداشت توجیهی سرّی

۲ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷ آبان ۱۱)

بحران رو به ترازد ایران

... تلاش‌های شاه برای آرام کردن مخالفین خود به شکست انجامیده است. مخالفین به هم می‌پیوندند و از این حرکت سود می‌برند، درحالی که شاه قوه ابتکار را از دست می‌دهد. شاه خودش در مشورت‌هایش با سولیوان، این موضوع را ابراز داشته است که اقدام سریع در خاموش‌سازی این اضطراب لازم است، اما به نظر می‌رسد وی قادر نباشد که تصمیم بگیرد که چه باید کرد؟ حقیقتاً در جریان مشورت با سولیوان و پارسونز، کاملاً عدم قابلیت خود را در تسلط بر مشکلاتی که با آن روبروست، نشان داد. شاه تاکنون نتوانسته جز اقدامات ناقص برای اجتناب از تصمیمات سخت، پیش‌بینی چیز دیگری را بنماید....

بدون توجه به چگونگی شکل گرفتن عمل انتقالی، مطمئناً سرکوب‌های کوتاه مدت برای پایان بخشیدن به ناآرامی‌ها ضروری است. این عمل، در هر حال جواب مشکل اساسی نیست، زیرا این سرکوب‌ها حتماً به خشونت‌های وسیع تری تبدیل خواهد شد و این عمل کل قدرت را به خطر می‌اندازد و میدان را برای رادیکال‌ها در صحنه سیاسی ایران خالی خواهد گذاشت....

اگر شاه هرچه زودتر حرکت مهمی تا قبل از شروع ماه محرم - در تاریخ ۲ دسامبر - انجام ندهد، مطمئناً یک سری خشونت‌های جدی به دنبال خواهد آمد. ۱۰ محرم (۱ دسامبر) روز بخصوص باشکوهی برای مسلمانان ایرانی است و شریعتمداری و یکی از نخست وزیران پیشین اظهار داشتند که کار شاه تا آن وقت تمام خواهد بود... مگر اینکه شاه هرچه زودتر در این مورد اقدام کند. احتمال مداخله نظامی بسیار قوی است. نظم اعمال شده به وسیله ارتش، به طور قطع بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. اقتصاد هم اکنون خسارت دیده است و مردم عادی ایرانی آموخته‌اند که حتی بدون اسلحه هم می‌توان در قدرت عظیم سیاسی نقش داشت. هیچ راهی وجود ندارد که اوتش با زور بتواند میلیون‌ها ایرانی تازه آگاه شده را با رضایت خودشان برای سرافرازی رژیم پهلوی که به سختی لکه‌دار شده، به سر کار باز گرداند.

تپیه شده توسط: INR/RNA/SOA گریفین

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد دوم، سند شماره ۳، صفحه ۱۱، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

۱- به نظر شما چرا آمریکایی‌ها به رغم آگاهی از عزم و اراده ملت ایران، سرکوب آنها را به

حکومت پهلوی پیشنهاد می‌کردند؟

۲- توصیفات مخفیانه آنها از شاه در شرایط بحرانی حاوی چه نکاتی است؟

● قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد. قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولتها در قلمرو سرزمنی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتند در ادامه جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از کنسگران فردی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترهای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی‌ها، ستاره‌های هنری، ورزشی و... از جمله این کنسگران فردی هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان‌ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «هزمونی» تعبیر می‌کنند. سلطه هژمونیک از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کند. برای نمونه رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان شیوه‌ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می‌برند، تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراه سازند.



■ سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها سلبریتی شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها درآمدزایی می‌کنند. سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جنبش‌هایی به راه می‌اندازند.



■ ادوارد اسنودن اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سری سیا را فاش کرد. این اطلاعات درباره جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم عادی در مکالمات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جست‌وجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

● نظام سیاسی و انواع آن

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

هر جامعه‌ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود زمینه بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد. به نظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟

گفته شد که جامعه دارای هویت سیاسی است. جامعه با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند. با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام سیاسی را دسته‌بندی کرد و چه انواعی برای نظام سیاسی وجود دارد؟



■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست.



■ با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شدند.

* نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد.

الف) بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه

دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد؛

- نظام‌هایی که در آنها اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند؛

- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارد.

ب) بر اساس روش تصمیم‌گیری؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛

یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند یا آنکه حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ج) براساس دین‌مداری یا دنیامداری؛ نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از این دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد^۱. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.

۱- دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها:

تعداد حاکمان	روش حکومت	براساس حقیقت و فضیلت	براساس خواست و میل حاکم
فرد		مونارشی	استبدادی
اقلیت		آریستوکراسی	آلیگارشی
اکثریت		جمهوری	دموکراسی

فارابی در گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی علاوه بر دو ملاک پیش گفته، ملاک سوم را نیز در نظر می‌گیرد. در دسته‌بندی فارابی از نظام سیاسی، مدینهٔ فاضلهٔ جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌های ایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهلهٔ می‌نامد و آنها را به اقسامی تقسیم می‌کند.

گفت و گو کنید

دربارهٔ تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت و گو کنید.

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیا امروز هستند. دربارهٔ این دو نظام سیاسی چه می‌دانید؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همهٔ امور برای انسان‌هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و ارادهٔ اکثریت مردم سازمان می‌یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به‌رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمهٔ «اسلامی» نشان‌دهندهٔ این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند.

عبدودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی، از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی هستند.

در نگاه اسلامی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقریب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی عبادات هنگامی که بُعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالله خودداری کند و در شکل گیری امامت و ولایت الله براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراتی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

خلاصه کنید

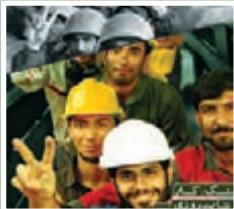
- عدالت، استقلال، آزادی، عمران و آبادانی و تأمین اجتماعی از جمله ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند.

مفاهیم اساسی

جمهوری اسلامی،

آنچه از این درس آموختیم





درس دهم ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

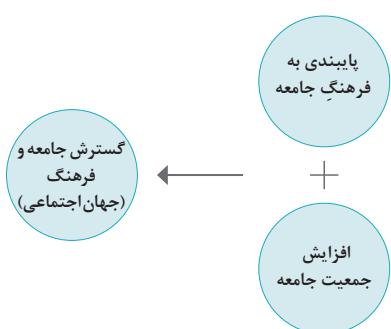


جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند، چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.

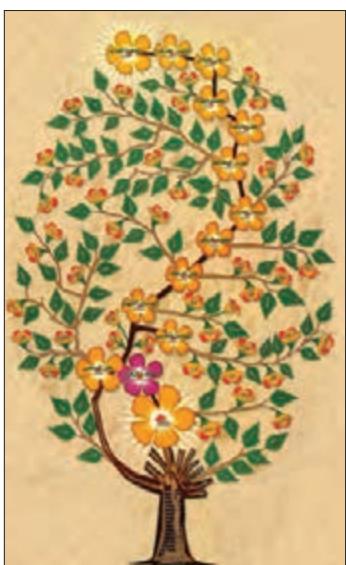
اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند، اماً آیا اندازهٔ جمعیت به تنها بی‌برای بقا و رشد یک جامعه کفایت می‌کند؟ آیا یک جامعه کمتر از ۲۰۰ نفر می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

برای پی بردن به رابطه جمیعت و هویت جامعه برخی از مطالب کتاب را مرور کنید. دانستید به مجموعه آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جامعه براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند و اینکه هویت هر جامعه براساس فرهنگ آن (عقاید و ارزش‌ها) شکل می‌گیرد. بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه بر می‌آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد.



حالتی را تصور کنید که یک جامعه تمام اعضاش را از دست بدهد. آیا اثرباری از زندگی و بقا برای آن باقی می‌ماند؟ افزایش جمیعت یک جامعه زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن است. کاهش جمیعت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد. از این‌رو تأمین جمیعت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

بخوانیم و بدانیم



به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «سناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همه شجره‌نامه‌ها، که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفتته است، نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بوده وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرها یشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند، چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتدام که در آنها به ترتیب نام

افرادی نه چندان شناخته شده می‌آید و در نسل هشتم به نام داود^{علیه السلام} می‌رسد و این گونه از او یاد می‌کند که «او پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود، داودی پدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ بشود. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام، همین قدر که من عبری باشم برای گذر آیندگانی که شاید داودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بهتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست‌نخورده تحويل آیندگان بدhem تا زندگی ام بی‌ثمر نبوده باشد. آن وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامه خانوادگی می‌بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

(چارلز هندی، همه کیمیاگریم)

هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛ بدین ترتیب هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند. پیامبر اسلام^{صلی اللہ علیہ وساله و علی آله و سلم} روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.

آیا می‌دانید جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود چه می‌کنند؟ به نظر شما جامعه ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است. ولی ممکن است در موقعی اختلال در خانواده، جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتمن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، مصرف گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان، با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.^۱

۱- قوم خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است. ولی با گسترش فردگرایی و اصالت لذت در جامعه، این محبت و ایثارگری کاهش می‌یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش جمعیت و فرو افتادن جامعه در چاله جمعیتی می‌انجامد.



وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدبیر و راه حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، در دو برههٔ زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و میزان رشد جمعیت از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجهٔ آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت.

کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت. در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی، کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمدان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

- برخی کارشناسان معتقدند کاهش جمعیت و فرزندآوری بیش از آنکه متأثر از عوامل اقتصادی باشد منشأ فرهنگی دارد. نظر شما چیست؟ گفت و گو کنید.
- به نظر شما تداوم روند کاهشی رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیانباری در پی دارد؟

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همهٔ ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد، کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عنوان‌های همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلًا از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم/شکننده؛ دستوری/غیردستوری؛ سرمایه‌داری/سوسیالیستی/اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز مانعیجۀ رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سدها و نیروگاه‌ها، توسعهٔ ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارات‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحрیم‌ها، گسترش روحیهٔ انفاق و توجه به مستضعفان و محروم‌ان را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما اگر به درستی از

آن استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که زمینه سوءاستفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌آورد. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود برnmی‌تابند و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند. بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سوبی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیراقتصادی را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.



مجتمع تولیدی مینا



ایران در زمرة ده کشور برتر دنیا در عرصه نانو

در چنین موقعیتی، راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی-اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

تأمل کنید

حمایت از تولید ملی یکی از راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است. اما آیا به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی با هر کیفیت و قیمتی است؟ نه. حمایت از تولید ملی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب. ما، دولت و تولیدکنندگان هر کدام در این زمینه وظایفی داریم. دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات به تولیدکننده، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعریفهای گمرکی بر کالاهای وارداتی... از تولید ملی حمایت کند. تولیدکننده باید سودجویی و فرصت طلبی را کنار بگذارد و خدمت به مردم و جامعه را هدفی مهم بداند و... ما چگونه می‌توانیم از تولید ملی حمایت کنیم؟

شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده‌اید؟ چگونه؟ به نظر شما چرا بعضی ترجیح می‌دهند کالای خارجی مصرف کنند؟ شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده‌تان نقش چندانی ندارید اما اگر کمی بیشتر فکر کنید، می‌بینید که این طور نیست. به علاوه، شما می‌توانید درباره ضرورت حمایت از کالای ایرانی با اعضای خانواده‌تان گفت و گو کنید و مطالبی را که در این درس خوانده‌اید، با آنها در میان بگذارید.

خلاصه کنید

- پیش از این کاهش جمعیت از جمله مسائل و مشکلات کشورهای غربی بود اما امروزه جامعه ما هم با این مسئله مواجه شده است.

مفاهیم اساسی

اقتصاد مقاومتی،

آنچه از این درس آموختیم

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۶) غرب‌زدگی. تهران: کلک زرین.
- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ابرکرامی، نیکولاوس (۱۳۸۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ارسطو (۱۳۸۶) سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: علمی و فرهنگی.
- افروغ، عmad (۱۳۸۷) هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- برگر، پیتر (۱۳۷۵) ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه فریبزر مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بودن، ریمون (۱۳۸۷) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: مرکز.
- بودن، ریمون (۱۳۹۰) منطق کنش اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توپیا.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹) فاس شهر اسلام. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: حکمت.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح‌الحیا. قم: اسراء.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۷) انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: ساقی.
- راسل، برتراند (۱۳۹۷) قدرت. ترجمه نجف دریابنده‌ی. تهران: خوارزمی.
- رفیعی آستانی، عطاء‌الله (۱۳۹۶) واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی. تهران: آفتاب توسعه روشی، گی (۱۳۶۷) کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: علمی.
- سو، الین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاہری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷) بازگشت به خویشتن. تهران: قومس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) آراء اهل مدنیه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: طهورا.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) سیاست مدنیه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فی، برایان (۱۳۸۱) فلسفه امروزین علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴) تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کرامپتون، رزماری (۱۳۹۶) طبقه و قشر بنده اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نی.
- کرایب، یان (۱۳۹۶) نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.

- کرایب، یان (۱۳۹۵) نظریه اجتماعی مدرن. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوئی، بروس (۱۳۹۴) درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توپیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) تجدد و تشخض. ترجمه ناصر موقیان. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- لگیت، مارلین (۱۳۹۲) زنان در روزگارشان. ترجمه نیلوفر مهدیان. تهران: نی.
- لیندولم، چارلز (۱۳۹۴) فرهنگ و هویت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالالمعبد انصاری. تهران: سمت.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.
- هندي، چارلز (۱۳۸۸) همه كيمياگریم. ترجمه سعید قاضی طباطبایی. تهران: هرمس.
- هيوز، استوارت (۱۳۸۶) آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: علمی و فرهنگی.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پژوهش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنگی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نوگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و غولمنان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پژوهشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبردی دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنگی کتاب هویت اجتماعی – کد ۱۱۲۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱	عبدالله عادلی‌راد	بوشهر	۱۸	مهرین ماندگاری	اصفهان		
۲	نسرين عزيزيان	کردستان	۱۹	زهرا موسوی	خراسان رضوی		
۳	لیلا شجاعی	خراسان جنوبی	۲۰	طلعت ابطالی	اصفهان		
۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۲۱	صیاد گلشنی	آذربایجان غربی		
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۲	عبدالله نجفی اصل	بوشهر		
۶	اسانه عسگری	مرکزی	۲۳	بیژن کاردوست	همدان		
۷	فرشته حیدریان	ایلام	۲۴	امران کیانی	قرمیان		
۸	سهیلا دباغی	همدان	۲۵	خدابخش چاکری	سیستان و بلوچستان		
۹	نسرين دروشی	خوزستان	۲۶	پروین نیک‌زمر	یزد		
۱۰	محمد علیزاده	ایلام	۲۷	لیلا کاخکی	هرمزگان		
۱۱	سید بهنام میرافضل	خوزستان	۲۸	محبوبه نورانی	سمنان		
۱۲	مزده قربانی‌زاده	گیلان	۲۹	ابراهیم حاج حسینی	هرمزگان		
۱۳	علی عبدالله‌زاده	گیلان	۳۰	علی ایمانی	شهر تهران		
۱۴	مریم اسماعیلی	خراسان شمالی	۳۱	زهرا خراسانی	قرمیان		
۱۵	محمد‌هادی نوابی فرد جهرمی	فارس	۳۲	اکبر جاهدی خسروشاهی	آذربایجان شرقی		
۱۶	عزم‌الله علی‌زاده	شهرستان‌های تهران	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران		
۱۷	مریم یحیی‌زاده	اردبیل	۳۴	ولی آقا قلیزاده	اردبیل		



معلمان محترم، صاحبنظران، دانشآموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران – صندوق پستی ۱۵۸۷۵ – ۴۸۷۶ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

<https://konkur.info>

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

